

تأثیر معنایی «معروف» و «منکر» بر کارآمدی «امر به معروف و نهی از منکر» در نهادهای سازش‌ها

دریافت: ۱۴۰۲/۲/۳۰ تأیید: ۱۴۰۲/۷/۲۲
علیرضا شهریاری پور*
و امیرعباس مهدوی فرد** و رضا نوروزی***

چکیده

با استفاده از معنای «معروف» و «منکر» می‌توان کارکرد امر به معروف و نهی از منکر را بهبود بخشید. پذیرش این امر مبتنی بر آن است که این دو واژه دارای معنایی عرفی باشند و حقیقت شرعی یا متشرعه نشده باشند. منشأ انتزاع این دو عنوان، فطرت زیبایی‌خواه و کمال‌طلب انسانی است. بنابراین، با استفاده از ظرفیت مقبولات عرفی و بکارگیری شیوه‌های متناسب می‌توان به نهادهای سازش معروف و منکر پرداخت. بر این اساس، این مقاله که با روش توصیفی - تحلیلی به نگارش درآمده و از منابع کتاب‌خانه‌ای برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است، با اثبات این فرضیه که معروف و منکر بر همان معنای عرفی خود باقی مانده‌اند و دارای منشأ انتزاع فطری است؛ ترک معروف و ارتکاب منکر را ناشی از خطای در تطبیق دانسته و مدعی آن است که جهت نهادهای سازش امر به معروف و نهی از منکر با تبیین صحیح آن از طریق نشان‌دادن زیبایی معروف و زشتی منکر، آثار و منافع معروف و منکر، تبیین انسجام ساختار عالم با امر به معروف و الگوسازی از عاملین راستین به واجب مذکور، می‌توان به هدف مورد نظر دست یافت.

واژگان کلیدی

معروف، منکر، امر به معروف، نهی از منکر، نهادهای سازش

* دانش‌آموخته حوزه علمیه، دانشجوی دکتری: alireza1424yasen@gmail.com

** دانش‌آموخته حوزه علمیه، عضو هیأت علمی دانشگاه قم: aa.mahdavifard@qom.ac.ir

*** دانش‌آموخته حوزه علمیه، عضو هیأت علمی دانشگاه قم: r.noroozi@qom.ac.ir

مقدمه

اسلام برای تحقق اهداف خود، اهرم‌های نظارتی فردی، اجتماعی و حاکمیتی تعریف نموده است که از مهم‌ترین آن‌ها امر به معروف و نهی از منکر است. فلسفه اصل امر به معروف و نهی از منکر، رشد و کمال اجتماعی است. قرآن می‌فرماید:

«كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ»

(آل عمران (۳): ۱۱۰)؛ شما بهترین امتی بودید که پدید آمدید (از این جهت که)

امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید.

در منابع دینی نیز آثار متعددی برای امر به معروف و نهی از منکر ذکر شده است از جمله:

۱. اجرای احکام (حر عاملی، بی‌تا، ج ۱۱، ص ۳۹۵ و مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰، ص ۷۹).
۲. عدالت اجتماعی (حر عاملی، بی‌تا، ج ۱۱، ص ۴۰۳). ۳. سازندگی (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۵۵).
۴. استواری نظام (حر عاملی، بی‌تا، ج ۱۱، ص ۳۹۵). ۵. امنیت (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۵۶) و... است. در مقابل ترک این دو فریضه نیز موجب: ۱. تضعیف ایمان (همان، ص ۵۹).
۲. شریک‌شدن در گناه تارک معروف و عامل به منهی‌عنه (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۸۳).
۳. محرومیت از سعادت و حیات راستین (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۵۵). ۴. غضب الهی (همان). ۵. شیوع مفاسد اجتماعی (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۹) و... دانسته شده است. با این حال، بدیهی است که ترتب هریک از این آثار گران‌بها و دورماندن عوارض سهمگین یادشده به صرف پذیرش زبانی و حتی التزام قلبی بدان محقق نمی‌گردد، بلکه آنچه مهم است، نهادینه‌سازی اجتماعی این دو اصل است؛ به گونه‌ای که افراد جامعه با کسب آگاهی و شناخت نسبت به معروف و منکر و با قراردادن آن به‌عنوان الگوی رفتاری خود، بدون فشار خارجی معروف‌ها را به جای آورده و منکرات را ترک نمایند.

بنابراین، هدف این دو فریضه، نه صرف ابلاغ معروف و منکر، بلکه نهادینه‌کردن عمل به معروف و ترک منکر در سه ساحت حاکمیت، جامعه و فرد است. نهادینه‌سازی، فرایندی است که طی آن، جامعه هدف با کسب آگاهی و شناخت نسبت به مسأله مورد نظر و با قراردادن آن به‌عنوان الگوی رفتاری خود، بدون فشار خارجی به آن عمل

می‌کند (محسنی، ۱۳۷۹، ص ۶۳). با این حال، با نفوذ رویکردهای اومانستی، کرامت انسانی به نحو دیگری مورد بازخوانی قرار گرفته (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۲۴۳)؛ به طوری که امر به معروف و نهی از منکر (به عنوان دخالت در آزادی و نقض حقوق بشر) در تعارض با کرامت انسانی معرفی شده و کارآمدی آن در نهادهای سازش ارزش‌ها مورد چالش قرار گرفته است. حل این چالش، با توجه به ظرفیت معنایی نهفته در واژه‌های معروف و منکر امکان‌پذیر است. با تبیین صحیح معروف و منکر و بدون نیاز به اجبار و حتی لحن تند که در بسیاری از اوقات حساسیت طرف مقابل را بر می‌انگیزد، می‌توان به نهادهای سازش معروف و منکر پرداخت. استفاده از این ظرفیت مبتنی بر عقلایی و عرفی دانستن مفهوم «معروف و منکر» و فطری بودن شاخص‌های انطباق این مفهوم بر مصادیق است؛^۱ زیرا در صورت التزام به حقیقت شرعی و یا متشرعیه برای معروف و منکر و یا تعبدی دانستن منشأ انتزاع آن، امکان استفاده از ظرفیت معنایی این دو واژه در کارآمدسازی امر به معروف و نهی از منکر وجود نخواهد داشت.

مسئله اساسی تحقیق حاضر آن است که آیا دو واژه معروف و منکر دارای معنای عرفی - عقلایی‌اند و در صورت پذیرش عرفی بودن معنا، آیا شاخص انطباق آن بر مصادیق، فطری است و یا شرعی، تا در نتیجه بتوان از ظرفیت این دو فریضه در کارآمدسازی آن‌ها استفاده نمود و یا آن که از معنایی تعبدی برخوردارند و استفاده از چنین ظرفیتی ممکن نباشد؟ در صورت پذیرش فرض اول نیز این پرسش مطرح می‌گردد که چگونه و با چه روش‌هایی می‌توان از ظرفیت معروف و منکر برای نهادهای سازش آن‌ها استفاده نمود. پس، از آنجا که منقح‌شدن مفاهیم، در کارآمدی واجب مذکور نقش بسزایی دارد، نوآوری پژوهش حاضر را می‌توان در تبیین نحوه تأثیر معنای معروف و منکر و شاخص‌های انطباق این دو عنوان بر مصادیق، جهت نیل به ضمانت اجرای امر به معروف و نهی از منکر دانست. روش بحث در این پژوهش، تحلیلی - توصیفی (اعم از تحلیل مفهومی و گزاره‌ای) و روش گردآوری داده‌ها کتاب‌خانه‌ای است.

درباره پیشینه تحقیق باید گفت با این که بیش از ۳۰ کتاب^۲ و بیش از صد مقاله^۳ با رویکردهای مختلف در باب موضوع امر به معروف و نهی از منکر نوشته شده است،

لکن هیچ‌کدام به موضوع مورد بحث این مقاله نپرداخته‌اند. تنها مقاله «مفهوم امر به معروف و نهی از منکر در قرآن» اثر روح‌الله ملکیان است که تا حدودی توانسته است به معنای معروف و منکر در قرآن پردازد (ملکیان، ۱۳۹۵، ش ۸۵ و ۸۶). مقاله «بازخوانی امر به معروف و نهی از منکر به مثابه قدرت نرم در فرهنگ اسلامی» آقای حسین جوان آراسته نیز به بحث قدرت نرم امر به معروف در نهادهای سازی ارزش‌ها پرداخته، لکن با زاویه نگاه این مقاله در شکل و محتوا متفاوت است. مهم‌ترین اهداف این تحقیق را می‌توان در:

۱. دستیابی به چیستی معروف و منکر و ماهیت امر به معروف و پی‌بردن به ارزش آن و
۲. استفاده از نتیجه تحقیق در نهادهای سازی امر به معروف و نهی از منکر دانست.

پس از ذکر مباحث مقدماتی، در این‌جا مبتنی بر پرسش‌های تحقیق، ابتدا به امکان‌سنجی تأثیر معنایی معروف و منکر بر کارآمدی امر به معروف و نهی از منکر و سپس کیفیت‌سنجی تأثیر مزبور می‌پردازیم.

امکان‌سنجی تأثیر معنایی «معروف» و «منکر» بر کارآمدی «امر به معروف و نهی از منکر»

معروف و منکر مانند هر واژه‌ای دارای مفهوم و مصادیقی است. مفهوم بر پایه آنچه که واژه برای آن وضع گردیده است، شکل می‌گیرد که البته بر اساس آنچه گفته خواهد شد، چون این دو عنوان از معقولات ثانویه فلسفی‌اند، طبیعتاً نیازمند منشأ انتزاع هستند و لذا بر پایه شاخص‌هایی که بین مصادیق مشترک است، اخذ می‌گردد. ازاین‌رو، برای پذیرش امکان تأثیر معنایی مذکور، پس از واژه‌شناسی معروف و منکر، لازم است وضع شرعی برای این دو واژه نفی شود تا با انتفای حقیقت شرعی و متشرعه برای واژه‌های معروف و منکر، وضع عرفی آن تثبیت گردد و سپس ارائه شاخص‌های شرعی جهت انتزاع این مفهوم نفی گردد. پس بحث را در طی سه مرحله بررسی معنای لغوی، نفی حقیقت شرعی و متشرعه و در نهایت نفی ارائه شاخص‌های شرعی برای انتزاع این دو عنوان پی‌می‌گیریم.

معروف و منکر در لغت

پیش از هر چیز بایسته است که مفهوم لغوی دو واژه «معروف و منکر» بررسی گردد.

معروف

لغت‌شناسان عرب برای واژه «معروف» معانی مختلفی ذکر نموده‌اند؛ ابن منظور در لسان‌العرب و طریحی در مجمع‌البحرین در معنای «معروف» آورده‌اند: موجه، شناخته‌شده، خوبی، ارزش‌های جامعه دینی، خوشایند، مایه بخشش، عوامل بالندگی و رشد فرد و جامعه (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۹، ص ۲۳۹ و طریحی، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۹۴). لسان‌العرب در جایی دیگر آورده است: معروف هر آن چیزی است که نفس آن را به نیکی بشناسد و با آن انس بگیرد و به آن اطمینان حاصل نماید^۴ (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۹، ص ۲۳۹).

احمد بن فارس برای «عُرف» دو ریشه معنایی پی‌درپی بودن چیزی به صورت پیوسته و سکون و آرامش را ذکر نموده است. سپس با این توجیه که انسان به آنچه می‌شناسد، آرامش می‌یابد و از آنچه نمی‌شناسد، وحشت‌زده، فرار می‌کند، «معروف» را از ریشه و معنای دوم دانسته است (ابن فارس، ۱۴۱۱ق، ج ۴، ص ۲۸۱).

از میان این معانی به نظر می‌رسد معنای «معروف» همان «شناخته‌شده، کار خوب و پسندیده» باشد و «سکون و اطمینان نفس» از آثار معروف و «ادراک همراه با تدبیر، قرارگرفتن در صدر مسائل و عادت‌شدن» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۶۰ و ۸۲۳ و مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۸، ص ۱۱۹-۱۱۸)، از لوازم معروف (وجه اکملیت) است. بدین ترتیب، اصلی‌ترین معنای «معروف» در لغت، «شناخته‌شده، کار خوب و پسندیده» است. در این معناگزینی از آن جهت «شناخته‌شده» مقارن با «کار خوب» و «پسندیده» قرار گرفته است که معروف اسم مفعول «عُرف» و دارای متعلق (نایب فاعل) قهری است تا وجه شهرت مصداق معروف معین گردد. نکته قابل توجه آن که این متعلق و نایب فاعل به اعتبار اختلاف در مبدأ اعتبار (شامل عقل، فطرت یا شرع) متفاوت می‌شود. بنابراین، صرف «شناخته‌شده» را نمی‌توان «معروف» گفت، بلکه شناخته‌شده از حیث خوب‌بودن، نیک‌بودن و مورد پسندبودن، معروف است.

منکر

لغت‌شناسان عرب منکر را به معنای «کار دشوار و زشت و جهل آورده‌اند» (ابن فارس، ۱۴۱۱ق، ج ۴، ص ۲۸۱). لغت‌دانان فارسی معانی‌ای هم‌چون ناشناخته، ناروا، بد

و قبیح و ناشایسته و شگفت، امر قبیح که هر که بیند انکار کند، نامشروع به معنای ناشایسته، کار زشت و شگفت، کار ناپسند و نامشروع ذکر نموده‌اند (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۴، ص ۲۱۶۹۸).

در معنای «منکر» باید گفت: از بین معانی متعدد بیان‌شده، دو معنا ریشه‌ای‌تر است: ۱. ناشناخته از جهت نامأنوس بودن. ۲. ناپسند از جهت زشتی و بدی. همان‌طور که در مورد واژه «معروف» گفته شد، در این جا نیز می‌گوییم اسم مفعول «نکر» دارای متعلق (نایب فاعل) قهری است تا وجه شهرت مصداق منکر معین گردد. بنابراین، المنکر؛ یعنی «المنکر حُسنه»؛ یعنی منکر آن است که حسنش انکار شده و شناخته‌شده نباشد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که اختلاف تعاریف در تنوع نایب فاعل و نیز اختلاف در مبدأ اعتبار (شامل عقل، فطرت یا شرع) می‌باشد.

عرفی بودن معنای معروف و منکر و فقدان حقیقت شرعی و متشرعه

پس از روشن شدن معنای معروف و منکر، حال این پرسش بایسته است که آیا همین معنا مقبول شارع قرار گرفته است و یا آن که شارع معنای خاصی را برای این دو واژه جعل نموده است و به اصطلاح این دو واژه دارای حقیقت شرعی یا متشرعه هستند؟ در پاسخ باید گفت: این دو بر همان معنای عرفی - عقلایی خود باقی مانده‌اند و شارع مقدس تصرفی در معنای آن دو نداشته است. معروف در شریعت به همان معنای لغوی بکار رفته و به معنای هر آن چیز آشکاری (اعم از افکار و خُلقیات و اعمال) است که حُسنش نزد عقل و عرف (همراه با تدبیر) یا فطرت شناخته شده باشد؛ چه توسط شارع مورد تأکید و تذکر قرار گرفته باشد و چه خود فرد به حُسن آن پی برده باشد. از این رو، تمام ارزش‌های یک جامعه که مبتنی بر عقل و فطرت‌اند در دایره معروف‌ها قرار می‌گیرند و نقش شرع در این بین یادآوری است.

واژه «عُرف و معروف» در قرآن در معانی زیر آمده است: ۱. کار خوب و خیر:

«خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ» (اعراف (۷): ۱۹۹)؛ دامن عفو را

بگیر و به خوبی وادار و از نادانان رو بگردان.

۲. نیکو، پسندیده:

«قُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (نساء(۴): ۵ و ۸ و بقره(۲): ۲۳۵)؛ «وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (احزاب(۳۳): ۳۲)؛ گفته نیکو دارید.

۳. بخشش مال:

«إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفًا» (احزاب(۳۳): ۶)؛ مگر این‌که به اولیاءتان بخشش مالی کنید.

طبرسی در مجمع البیان گفته است:

المعروف الحق و المنکر الباطل (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۴۸۷).

صاحب التحقیق آورده است: «معروف» حقیقتاً استعمال می‌شود در جمیع موارد خیر و صلاح و فلاح و مستحسن و فریضه و جمیل (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۸، ص ۱۱۹). ایشان در جای دیگر می‌گویند:

عرف آن است که آشکار است، در صدر و بلندی قرار دارد و در مقابل نکر دانسته می‌شود. بنابراین، معروف؛ یعنی آن چه در قله شناخته‌شده‌های نیک قرار دارد و منکر نیز در قله ناشناخته‌های زشت (همان، ص ۱۱۹-۱۱۸).

منکر نیز در شریعت به همان معنای لغوی بکار رفته و به معنای هر آن چیزی (اعم از افکار و خلقیات و اعمال) است که حُسنش نزد عقل یا فطرت شناخته‌شده نبوده و لذا ناپسند است؛ چه توسط شارع مورد تأکید و تذکر قرار گرفته باشد و چه خود فرد به قبح آن پی برده باشد. علامه طباطبایی در تعریف «منکر» مقرر کرده است:

عمل منکر آن است که مردم در میان خود با آن آشنا نباشند؛ یعنی آن عمل یا به این سبب که زشت و قبیح است و یا بدان سبب که جرم و گناه است، در جامعه متروک باشد (طباطبایی، بی‌تا، ج ۱۲، ص ۳۳۳).

بنابراین، تمام ضد ارزش‌های یک جامعه که مبتنی بر عقل و فطرت‌اند، در دایره منکرها قرار می‌گیرند و نقش شرع، یادآوری است. چنان که محقق حلی، علامه حلی و صاحب جواهر در تعریف منکر بیان داشته‌اند:

هر عمل زشت و بدی است که انجام‌دهنده به قبیح آن آگاه باشد یا به قبیح آن راهنمایی شود (محقق حلی، بی تا، ج ۹، ص ۴۳۷).

فاضل مقداد سیوری گفته است:

المنکر الفعل القبیح (فاضل مقداد، بی تا، ج ۱، ص ۴۰۴)؛ منکر کار زشت است.

در قرآن «منکر» در سه معنا به کار رفته است: ۱. ناشناخته:

«قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ مَنكَرُونَ» (حجر (۱۵): ۶۲)؛ [لوط] گفت: شما مردمی ناشناس هستید.

۲. عدم پذیرش، انکار در برابر اعتراف:

نَكَرَ الشَّيْءَ وَ أَنْكَرَهُ: لم يقبله قلبه و لم يعترف به لسانه (ابن فارس، ۱۴۱۱ق،

ج ۵، ص ۴۷۶)؛ قلبش آن را نپذیرفت و زبانش به آن اعتراف نکرد.

۳. امر ناپسند، ناخوشایند، زشت و قبیح:

«لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا نُكْرًا» (کهف (۱۸): ۷۴)؛ واقعاً کار ناپسندی مرتکب شدی.

«إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ» (لقمان (۳۱): ۱۹)؛ زشت‌ترین آوازه‌ها بانگ

خران است.

صاحب التحقيق در ذیل واژه «نکر» با اشاره به این آیه می‌گوید:

با وجود آن‌که صوت حمار، بلند و آشکار است، ولی قرآن می‌فرماید صوت

حمار انکر است و این یعنی این‌که منکر به معنای صرف ناشناخته نیست، بلکه

به معنای غیر مقبول و ناپسند بودن نزد عقل است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۲،

ص ۲۶۸).

راغب اصفهانی، معنای «نکر» را انکار و ضد عرفان دانسته؛ به معنای این‌که برای

قلب، بدون تصور است و آن را نوعی جهل دانسته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق،

ص ۸۲۳). طبرسی در معنای این واژه آورده است:

منکر آن چیزی است که عقل یا شرع آن را انکار کند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱،

ص ۴۸۴).

مصطفوی نیز در التحقيق آورده است:

منکر از ریشه «نکر» و به معنای هرآن‌چه که عقل سالم به حُسن آن اعتراف

نداشته، بلکه به زشتی و قبحش حکم می‌کند، است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۲، ص ۲۶۵).

در روایات نیز موردی یافت نشده است که به صراحت معنای جدیدی برای معروف و منکر معین نموده باشد؛ تنها در برخی روایات با استفاده از آنچه که نشان‌گر حصر است، این دو واژه در مصادیق خاصی به کار رفته‌اند؛ چنان که در فقره زیارت آل یاسین آمده است:

المعروف ما أمرتم به و المنکر ما نهیتم عنه (طبرسی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۵۹۳).

و یا در روایتی از امام صادق ۷ در تفسیر آیه شریفه «وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِیْ مَعْرُوفٍ» (ممتحنه (۶۰): ۱۲) آمده است:

«المعروف أن لا یسوّدن ثوبا و لا ینشرن شعرا؟» (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۵۲۷).

که در پاسخ باید گفت نمی‌توان با این روایات اثبات حقیقت شرعی کرد؛ زیرا استعمال اعم از حقیقت شرعی، مجاز در اسناد یا کلمه و تعدد دال و مدلول است و حتی با وجود این استعمالات نیز مانعی برای حمل بر معنای عرفی پیش نمی‌آید.

علامه طباطبایی معتقد است روایات ذیل آیه (ولایعصینک فی معروف) تنها در پی بیان برخی از مصادیق معروف است، لذا دلیلی نیست که معروف، بر همان معنای عرفی حمل نشود (طباطبایی، بی‌تا، ج ۱۹، ص ۴۱۸). شاهد این ادعا روایت عبدالله بن سنان است که در آن آمده است:

سألت أبا عبد الله ۷ عن قول الله: «وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِیْ مَعْرُوفٍ»، [قال: «هو ما فرض الله عليهن من الصلاة والزكاة وما أمرهن به من خير»] (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۶۴ و مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۹، ص ۷۶).

در این روایت برای معروف یک معنای وسیعی در نظر گرفته شده که شامل همه امور خیر می‌شود و قرینه است که موارد دیگر در روایات دیگر از باب ذکر مصداق است.

در نهایت، حتی اگر شکی در تحقق جعل شرعی برای این دو واژه وجود داشته باشد، از باب استصحاب عدم نقل، اصل بر عدم آن است. بنابراین، باید معروف بر همان معنای عرفی آن حمل شود.

منشأ انتزاع عناوین معروف و منکر

منشأ انتزاع این عناوین، فطرت است. در واقع فطرت پاک انسان معنای معروف و منکر را بر مصادیق تطبیق داده و سپس بر اساس این تطبیق عمل می‌کند. به عبارت دیگر، فطرت انسانی به معروف و منکر بودن اشیا و امور حکم می‌نماید و انحراف از آن ناشی از مناسبات نادرست اجتماعی است که موجب خطای در تطبیق شده است. از این رو، اساساً شارع نیازی به جعل معنای جدید ندارد، بلکه حداکثر مصادق حقیقی و حد و حدود مفاهیم را به عرف گوشزد می‌نماید. به عنوان مثال، عرف بر اساس فهم فطری خویش پرستش خداوند را حسن و معروف می‌شمارد، ولی با این حال، ممکن است بت را به عنوان معبود خود معرفی نموده و یا شیوه‌ای انحرافی برای پرستش خداوند انتخاب نماید^۵ که بایستی توسط خداوند متعال اصلاح شده و مصادق صحیح معرفی گردد.

نحوه انتزاع معروف و منکر

برای اثبات فطری بودن منشأ انتزاع معنای عرفی - عقلایی معروف و منکر، باید گفت معروف و منکر که معادل معنای خوب و بد و زشت و زیبا هستند، مابه‌ازای عینی ندارند و از مفاهیم فلسفی و معقول ثانی‌اند. از دیدگاه فیلسوفان مسلمان، حُسن و قبح (خوبی و بدی) ذاتی افعال اختیاری انسان است؛ بدین معنا که این مفاهیم از نحوه وجود افعال اختیاری انسان انتزاع می‌شوند (مصباح یزدی، ۱۳۷۶، ص ۴۰-۳۹ و جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۲۸). تحلیل خوب یا بد بودن افعال اختیاری انسان بدین گونه است که انسان کمالات خویش (اعم از حقیقی و غیر حقیقی یا کاذب) و کارهای اختیاری منجر به رسیدن به آن کمالات را تصور می‌کند، سپس ملازمه بین این دو را درک کرده (ضرورت بالقیاس) و بدین نتیجه رهنمون می‌گردد که برای رسیدن به فلان کمال خاص باید این فعل خاص را انجام دهد، لذا آن فعل را «خوب» می‌خواند و به عکس آن چه مخل برای رسیدن به کمال اوست را بد می‌داند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۳۲۳ و مصباح یزدی، ۱۳۷۶، ص ۱۶۹). در واقع عقل آن چه را که دارای مفسده باشد و موجب نقص گردد، بد می‌داند و آن چه را که دارای مصلحت و موجب کمال باشد، خوب می‌داند. نفس نیز آن چه را که با طبع فطری

انسان ملائمت داشته باشد، خوب و خیر و معروف می‌داند و آنچه را که با طبع انسان منافرت داشته باشد، بد و شر و منکر می‌داند.

معروف، شامل تمام خوب‌ها و خوبی‌ها، زیباها و زیبایی‌ها است و دامنه‌ای به گستردگی دامنه این واژگان دارد. منکر نیز شامل تمام بد‌ها و بدی‌هاست. «امر به معروف» امر به زیبایی‌هاست و امر به زیبایی‌ها، امر به خوبی‌هاست و خوب نیز همان پسندیده و شایسته است. از این‌جا به دست می‌آید، همان‌طور که ذوات مضاف به واژه‌های «خوب و زیبا» بیش‌ترین پذیرش عرفی را دارند، «معروف» نیز می‌تواند حداکثر مؤلفه‌های درونی پذیرش اجتماعی را دارا باشد. «نهی از منکر» نهی از زشتی‌هاست و نهی از زشتی‌ها، نهی از بدی‌هاست. همان‌طور که ذوات مضاف به واژه‌های «بد و زشت» بیش‌ترین شمول عدم پذیرش عرفی را دارد، «منکر» نیز حداکثر مؤلفه‌های درونی عدم پذیرش اجتماعی را دارد و می‌توان از ظرفیت این واژه نیز جهت نهادهای سازی معروف و منکر استفاده نمود.

نتیجه حاصل از عرفی‌بودن معنای معروف و منکر

بنابراین، ترک برخی معروف‌ها و ارتکاب برخی منکرات ناشی از تربیت اجتماعی ناصحیح است که موجب خطای در تطبیق برخی مردم شده است. به عبارت دیگر، با وجود فهم صحیح از ملاک معروف و منکر، مصداق ناصحیح را به جای مصداق صحیح تطبیق داده‌اند؛ مثلاً با وجود درک صحیح از خیربودن آزادی، اباحه‌گری را مصداق آن فرض نموده‌اند و بدین ترتیب از آزادی حقیقی محروم شده‌اند. شهید مطهری با اشاره به آیه ۱۷ سوره رعد با تأکید بر آن که «حق و نظام حق اصیل است و مثل آب در زیر جریان دارد و جامعه را به جلو می‌برد، اما باطل‌ها بر روی آن قرار می‌گیرند و نمود پیدا می‌کنند» می‌نویسد:

اکثریت جامعه را انسان‌هایی تشکیل می‌دهند که صلاح آن‌ها بر فسادشان غلبه دارد، اگر هم احیاناً فساد در آن‌ها هست، فساد ناشی از جهل است، از قصور است، نمی‌داند، تقصیر هم ندارد، نادان است، این را نمی‌شود آدم مقصر

حساب کرد و جزء مفسدین و خراب‌کاران و منحرفین دانست (مطهری، ۱۳۶۲، ص ۵۲).

رفع خطای در تطبیق معمولاً نیازمند برخورد تند و اجبار نیست و با بازگرداندن مخاطبان به مقبولات فطری خویش و تبیین چگونگی انطباق صحیح مفاهیم بر مصادیق، قابل حل است. امیرالمؤمنین ۷ می‌فرماید:

«فلو ان الباطل خلس من مزاج الحق لم يخف على المرتادين» (نهج البلاغه، خطبه ۵۰)؛ پس اگر باطل از امتزاج و آمیختگی با حق جدا باشد و با حق مخلوط نباشد، مردم حق‌جو منحرف نمی‌شوند.

نتیجه آن که کارآمدی، ضمانت اجرا و نتیجه‌بخشی «امر به معروف و نهی از منکر» در ذات آن نهفته است و نهاده‌سازی معروف و منکر در جامعه در بسیاری از موارد با تبیین صحیح قابل تحقق است.

کیفیت‌سنجی استفاده از ظرفیت معنایی «معروف و منکر» بر کارآمدی امر به معروف و نهی از منکر در نهاده‌سازی «امر به معروف و نهی از منکر»

نهاده‌سازی معروف و منکر در جامعه در بسیاری از موارد با تبیین صحیح قابل تحقق است. بنابراین، در این‌جا بعد از مروری بر تعریف و اصول نهاده‌سازی، با معیارقراردادن فرایند نهاده‌سازی، به بررسی روش‌ها و مراحل منتج به نهاده‌سازی می‌پردازیم.

نهاده‌سازی، تعریف، اصول و مراحل

بیان شد که نهاده‌شدن، فرایند منظمی از هنجارها، پایگاه‌ها و نقش‌های به‌هم‌پیوسته است که جامعه آن را پذیرا شده است (کوئن، ۱۳۸۵، ص ۵۴). پایه‌های نهاده‌سازی، شناخت، گرایش و اراده و عمل است. دیگران آورده‌اند:

نهاده‌سازی، فرایندی است که طی آن فرد با کسب آگاهی و شناخت نسبت به چیزی و با قراردادن آن به‌عنوان الگوی رفتاری خود، بدون فشار خارجی به آن عمل می‌کند و در نتیجه آن رفتارهای خودانگیخته و پیش‌بینی‌ناپذیر جای خود را به رفتارهای نظام‌یافته و پیش‌بینی‌پذیر می‌دهد (همان).

نهادهای شدن فرایندی است مشتمل بر مراحل ذیل و طبیعتاً نهادهای سازی ایجاد این تغییرات در مخاطب خواهد بود.

۱. شناخت و بصیرت: نهادهای سازی با بصیرت‌افزایی نسبت به معنا، حُسن و یا قُبْح مسأله مورد نظر و چگونگی اجرای فعل توسط مخاطب آغاز می‌شود.

۲. درونی‌سازی: دومین گام در نهادهای سازی درونی‌سازی معروف و منکر است که در نتیجه آن، مخاطب با کمال میل و بدون هیچ‌گونه فشار خارجی نسبت به انجام آن ملتزم شده و در نهاد و شخصیت وی قرار می‌گیرد.

۳. ثابت و دائمی شدن پذیرش: مرحله بعد در نهادهای سازی آن است که انجام معروف و ترک منکر به عنوان امری ثابت و همیشگی در زندگی مخاطب جریان داشته باشد. بنابراین، این عنوان به ملتزم‌نمودن فرد نسبت به امور موقت و گذرا اطلاق نمی‌گردد.

۴. پیش‌بینی پذیرش التزام: گام بعد در نهادهای سازی، پیش‌بینی پذیرش رفتارهای مخاطب است؛ به گونه‌ای که از طریق شناخت معروف و منکر، می‌توان رفتارهای افراد ملتزم به آن را پیش‌بینی نمود. این مسأله ناشی از رسوخ کامل برنامه در زندگی شخص می‌باشد؛ تا بدان‌جا که به عنوان یک ملکه و روحیه ثابت، تمام زندگی مخاطب را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد (ولوی و یزدانی، ۱۳۹۰، ص ۴).

۵. نظام‌یافته شدن التزام: به کنش‌هایی که لوازم آن مورد عمل قرار نگیرد و نیز التزام به رفتارهای گسسته و بی‌ارتباط با یک‌دیگر، نهادهای سازی گفته نمی‌شود. هنگامی می‌توان گفت اندیشه یا پدیده‌ای نهادهای شده است که در روند استواری، مبتنی بر سازمان‌یافته شدن و ثابت شدن، قرار گیرد و نقش و کارکردهای مرتبط بر آن مترتب گردد.

تطبیق مراحل نهادهای سازی با اجرای امر به معروف و نهی از منکر

پس از بیان معنا و مراحل نهادهای سازی، اکنون می‌بایست با پیاده‌سازی این مراحل و تطبیق آن‌ها با نهادهای سازی امر به معروف و نهی از منکر، نسبت به نحوه عملی کارآمدسازی واجب مذکور و تثبیت ارزش‌ها اقدام نمود و این مهم را نشان داد. بنابراین،

در ادامه، تطبیق مراحل فوق در کارآمدی و نهادینه‌سازی امر به معروف، مورد کنکاش قرار خواهد گرفت.

بصیرت بخشی نسبت به معروف و منکر

اشاره گردید که نخستین مرحله نهادینه‌سازی ایجاد شناخت و آگاهی نسبت به معروف و منکر در مخاطب است که این امر با توجه به عرفی بودن معنای معروف و منکر و فطری بودن پذیرش حسن معروف و قبح منکر، تنها نیازمند تذکر است؛ تذکر مشفقانه‌ای که مخاطب را به اصل و ذات خویش و مقبولات فطری‌اش برگرداند و با شفاف‌سازی حق، خطای او را در تطبیق مصادیق بر طرف نماید. امام صادق (ع) می‌فرماید:

همانا مؤمن و جاهل امر به معروف و نهی از منکر می‌شوند؛ مؤمن متذکر شده و پند می‌گیرد و جاهل یاد می‌گیرد و عالم می‌شود (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۶۱).
این روایت نشان می‌دهد بصیرت بخشی نسبت به معروف و منکر، یکی از اهداف امر به معروف و نتایج آن است.

درونی سازی

از آن جا که معروف چیزی جز خوب و زیبا نیست و تمام خوبی‌ها و زیبایی‌ها در دایره معروف قرار می‌گیرد؛ چنانچه بر اساس فطرت پاک و زیبایی دوست انسان‌ها، بتوان خوبی و زیبایی معروف و زشتی منکر را به مخاطب نشان داد، به‌طور طبیعی، عمل به معروف در فرد، درونی می‌گردد و به هیچ گونه فشار خارجی نیازی نیست. استفاده از واژه «معروف» به جای واژه «واجب» خود گویای این مدعاست. بنابراین، زیانمایی مأمور به زشت‌نمایی منهی‌عنه بهترین راه برای درونی‌سازی انجام معروف و ترک منکر است. حضرت محمد (ص) فرمودند:

«من أمر بمعروف فلیکن أمره ذلک بمعروف» (متقی هندی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۶۶)؛ کسی که به کار خوبی فرمان می‌دهد، باید این فرمان‌دادن را با شیوه خوبی انجام دهد.



صرف خوب بودن و خوب رفتار نمودن، با فطرت پاک تمام انسان‌ها سازگار است و لذا با رفتار درست، یا آن معروف در دیگری ایجاد شده و یا آنچه که وجود داشته بروز می‌کند.

ثابت و دائمی نمودن پذیرش

برای این منظور، بسط جلوه‌ها و هدف‌های زیبای اجرای امر به معروف و نهی از منکر در قالب جلب منافع و دفع مضار، ره‌گشاست. انسان‌ها وقتی بدانند انجام یا ترک فعلی برای آن‌ها سود دارد، قطعاً دائماً بدان پای‌بند بوده و آن را جزئی از زندگی خود قرار خواهند داد. بیش از ۹۰٪ روایات امر به معروف و نهی از منکر در همین راستا و جهت تثبیت انجام این دو واجب است. برای این کار، معصومین : منافع و مضار انجام یا ترک این دو واجب را متذکر شده‌اند. چنان‌که از پیامبر اسلام ۹ نقل شده است که:

«ألا أخبركم عن اقوام ليسوا بأنبياء ولا شهداء تغبطهم الناس يوم القيامة، يأمرونهم بما يحب الله و ينهونهم عما يكره الله» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲، ص ۱۸۲)؛ گروهی هستند که نه پیامبرند و نه شهید، ولی مردم به مقامی که خداوند به خاطر امر به معروف و نهی از منکر به آنان عطا فرموده غبطه می‌خورند.

در روایات است که امر به معروف و نهی از منکر موجب: ۱. خیر و سلامتی (حر عاملی، بی‌تا، ج ۱۶، ص ۳۲). ۲. قدرت‌مندی مؤمنان (نهج البلاغه، حکمت ۳۱). ۳. تضعیف جبهه نفاق (نهج البلاغه، حکمت ۳۱). ۴. پاکیزگی کسب و کار (حر عاملی، بی‌تا، ج ۱۱، ص ۳۹۴). ۵. مصلحت جامعه (نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲). ۶. طرد ناهالان از سیستم‌های کلیدی (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۲، ص ۲۵۶). ۷. سلامتی دنیا و آخرت انسان (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۰۰). ۸. نصرت الهی (محمدی ری‌شهری، ۱۳۶۷، ج ۶، ص ۲۶۴). ۹. کم‌نشدن عمر و روزی (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰، ص ۸۹). ۱۰. نجات از عذاب‌ها (اعم از دنیوی و اخروی) (حر عاملی، بی‌تا، ج ۱۲، ص ۴۰۷). ۱۱. به‌دست آوردن دنیا و آخرت (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲، ص ۲۰۶). ۱۲. رستگاری (آل عمران (۳): ۱۰۴). ۱۳. ثواب

فراوان (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۷، ص ۸۷ و نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴). ۱۴. رهایی از دوزخ (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۳۵۸). ۱۵. هم نشینی با ملائک (همان، ص ۳۵۷). ۱۶. عزیز شدن در دنیا (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۵۹). ۱۷. بهترین اعمال مردم (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۰۹). ۱۸. در حکم نماز بودن (القوی المنذری، ۱۴۲۴ق، ج ۳، ص ۲۲۴). ۱۹. شاخص ایمان (توبه (۹): ۱۱۲). ۲۰. نزول رحمت در پرتوی عمل به این واجب (توبه (۹): ۷۱). ۲۱. هدایت و خارج نشدن از صراط حق و... است. هم چنین بیان شده که ترک امر به معروف و نهی از منکر موجب: ۱. تبدیل منکر به معروف (حر عاملی، بی تا، ج ۶، ص ۱۲۲). ۲. نفرین و عقوبت الهی (طبرانی، ۱۴۰۲ق، ج ۱۰، ص ۱۴۶). ۳. دشمن خدا شدن (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲، ص ۱۷۸). ۴. مشمول لعن خدا قرار گرفتن (مائده (۵): ۷۸ و ۷۹ و نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲). ۵. قطع نعمت (شیخ مفید، ۱۴۱۰ق، ص ۱۲۹) و... می شود. همان طور که پیداست، یکی از مهم ترین انگیزه های بیان این تعداد مضار و منافع، تحریک مخاطب و تثبیت واجب در نهاد او بوده است.

پیش بینی پذیر ساختن التزام

از آن جا که انسان ها صاحب کرامتند و هر آنچه که با این ویژگی فطری آن ها سازگار است (مانند التزام به معروف و ترک منکر) را در راستای حفظ و تداوم کرامت می دانند، می توان با تبیین تلازم و سازگاری انجام معروف و ترک منکر با فعلیت یافتن کرامت انسانی (مانند رسیدن به خلافت الهی)، التزام مخاطبان به امر به معروف را پیش بینی پذیر نمود. به طور طبیعی انسان ها آن جا که حس کنند فعلی در راستای کرامت آن ها است، عکس العملی پیش بینی پذیر از خود بروز می دهند که چیزی جز قبول امر و نهی نیست. پیامبر اکرم ۹ دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر را از برنامه های خداوند و پیامبر و کتاب آسمانی او دانسته، امر و ناهی را جانشین خداوند، پیامبر ۹ و قرآن می داند:

«من امر بالمعروف و نهی عن المنکر فهو خليفة الله في أرضه و خليفة رسول الله و خليفة كتابه» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۴۸۴)؛ هر کس به معروف فرمان

دهد و از منکر باز دارد، پس او جانشین خداوند در زمین و جانشین پیامبر خدا و جانشین کتاب او است.

در واقع چه کرامتی بالاتر از این که انسان جانشین خدا و قرآن و پیامبر باشد. این همان چیزی است که روایت مذکور به دنبال آن است و رسول مکرم اسلام از این طریق می‌خواهند امر به معروف را در جامعه نهادینه کنند. البته از نظر روش اجرا نیز باید به صورت کامل به کرامت مخاطبان توجه نمود. به عنوان مثال، از خشونت در اجرای اصل مذکور (به جز موارد استثنا) پرهیز شود، به جای خود شخص، فعل او مورد انتقاد قرار گیرد، از تذکر در جمع پرهیز شود و

نظام یافته شدن التزام

در نتیجه نظام یافته شدن یک التزام، مسأله آن چنان در نهاد مخاطب رسوخ می‌کند که با عمل خود، آن را به دیگران منتقل نموده و در صورت ترک آن از سوی دیگران با تعجب به آن‌ها می‌نگرد. این نوع برخورد به خودی خود موجب تأثیرگذاری بر افراد جامعه می‌گردد و نوعی از تبلیغ عملی (که بهترین تبلیغ است) محسوب می‌شود. بر اساس آنچه در بخش منشأ انتزاع معروف و منکر گفته شد و با توجه به حس زیبایی‌گرایی در انسان، می‌گوییم قطعاً هر معروفی دارای ساختار نظم متناسب با روح و جان عالم امکان و از جمله انسان است و در مقابل منکر، عکس این است و با بی‌نظمی سازگار است. بنابراین، امر به معروف و نهی از منکر موجب نظام یافتگی و هماهنگی با طبیعت و ملکوت عالم خواهد بود. در روایتی از امام باقر 7 آمده است:

«إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَ مِنْهَاجُ الصَّالِحَاءِ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تَقَامُ الْفَرَائِضُ وَ تَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ وَ تَحُلُّ الْمَكَاسِبُ وَ تَرْدُ الْمَظَالِمُ وَ تَعْمُرُ الْأَرْضُ وَ يَنْتَصِفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَ يَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ» (حر عاملی، بی‌تا، ج ۱۶، ص ۱۱۹)؛ همانا امر به معروف و نهی از منکر، راه انبیای الهی و شیوه صالحان است، وظیفه بزرگی است که به برکت آن سایر واجبات برپا، راه‌ها امن، کسب

و تجارت حلال، ظلم و تجاوز دفع، زمین آباد، اعاده حق بر گردن متجاوز گذارده و همه کارها سامان می‌پذیرد.

این روایت نشان می‌دهد نظام عالم؛ اعم از عمران و آبادی و حفظ آن از فساد، با اقامه و نشر معروف و امحای منکر گره خورده است. اجرای امر به معروف چیزی جز قرارگرفتن در دایره نظام تکوین نخواهد بود و ترک آن، شنا در خلاف جهت رودخانه است. بنابراین، با برانگیختن حس زیبایی‌خواهی در انسان‌ها از طریق الگوگیری از انسان‌هایی که به زیبایی مسیر زندگی را طی نموده‌اند (مانند انبیا، اولیا و شهدا)، می‌توان بدون زحمت به نهادینه‌سازی امر به معروف و نهی از منکر دست یافت.

نتیجه‌گیری

نهادینه‌سازی معروف و منکر در جامعه با تبیین صحیح معنا و مقصود آن دو و همگام با کرامت انسانی قابل دست‌یابی است و دو فریضه «امر به معروف و نهی از منکر» به هیچ روی با کرامت انسانی ناسازگار نیستند. این بدان دلیل است که دو واژه معروف و منکر بر معنای عرفی - عقلایی خود با منشأ انتزاع فطری باقی مانده‌اند. معروف؛ یعنی آن چه عُرف شده و عُرف‌شدن؛ یعنی تبدیل‌شدن به ارزش‌های مورد قبول و جاری در جامعه (اعم از جامعه کوچک و بزرگ و اعم از جامعه دینی و غیر دینی)، در مقابل منکر؛ یعنی آن چه در عُرف، ضد ارزش و ناپسند است. بنابراین، ترک معروف و ارتکاب منکر در بیش‌تر موارد ناشی از خطای در تطبیق است و با تبیین صحیح آن از طریق بصیرت‌افزایی و نشان‌دادن زیبایی معروف و زشتی منکر، برانگیختن فطرت پاک و پاک‌طلبی انسان، نشان‌دادن آثار و منافع معروف و منکر، تلازم بین کرامت و امر به معروف، تعلیل انسجام ساختار نظام تکوین با اجرای امر به معروف و الگوسازی از عاملین راستین به اصل مذکور، می‌توان به نهادینه‌سازی معروف و منکر پرداخت و بدین ترتیب بر میزان اثربخشی امر به معروف و نهی از منکر افزود.



ضمانت ثمربخشی و نهادینه‌شدن اصل امر به معروف و نهی از منکر در ذات آن نهفته است و مخالفت‌های احتمالی با انجام برخی معروف‌ها و ترک برخی منکرات جز در موارد معدود، از روی جهالت و خطاست؛ نه عناد و دشمنی، لذا نهادینه‌سازی معروف و منکر در جامعه با تبیین صحیح معروف و منکر قابل پیگیری است. البته در «روش اجرا» باید به صورت کامل به کرامت مخاطبان توجه نمود؛ به عنوان مثال، از خشونت در اجرای اصل مذکور پرهیز شود، به جای خود شخص، فعل او مورد انتقاد قرار گیرد، از تذکر به فرد در جمع پرهیز شود، منافع معروف و مضار منکر بیان و حتی‌الامکان تعلیل شود و... .

یادداشت‌ها

۱. البته چنان که گفته خواهد شد، با عنایت به خطای عرف در تطبیق شاخص‌های فطری بر مصادیق، شارع مقدس در مواردی به تعیین مصادیق معروف و منکر پرداخته است.
۲. از جمله کتب: ۱. «مهم‌ترین واجب فراموش‌شده: امر به معروف و نهی از منکر»، تألیف ابراهیم امینی. ۲. «پژوهشی در امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه قرآن و روایات» از محمداسحاق مسعودی. ۳. «امر به معروف و نهی از منکر»، از محسن قرائتی. ۴. «مبانی فقهی امر به معروف و نهی از منکر»، از سیدجواد ورعی. ۵. «بزرگ‌ترین فریضه از محمدتقی مصباح یزدی».
۳. از جمله مقالات: ۱. «اهمیت و فلسفه امر به معروف و نهی از منکر»، از حسین اسحاقی. ۲. «راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر»، از لطف‌الله صافی گلپایگانی. ۳. «احیای امر به معروف و نهی از منکر با رویکرد قرآنی و روایی»، از محمد بخشی. ۴. «امر به معروف و نهی از منکر در قرآن، فروغ وحدت»، از قدسیه هاشمی دولابی. ۵. «بازخوانی امر به معروف و نهی از منکر به مثابه قدرت نرم در فرهنگ اسلامی»، اثر حسین جوان آراسته.
۴. «المعروف هو کل ما تعرفه النفس من الخير و تبساً به و تطمئن الیه، ضد المنکر».
۵. در قرآن کریم از یک سو از زبان مشرکان، عبادت بتان با ادعای تقرب به خداوند معرفی شده است: «أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ» (زمر: ۳۹) و از سوی دیگر، با اشاره به افعالی که مشرکان به عنوان نماز انجام می‌دادند، آمده است: «وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَصْدِيَةً» (انفال: ۸): (۳۵).

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن فارس، احمد، معجم مقایس اللغة، بتحقیق و ضبط عبدالسلام محمد هارون، ج ۵، بیروت: دارالجبیل، ۱۴۱۱ق.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۹، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
۵. اسحاقی، حسین، «اهمیت و فلسفه امر به معروف و نهی از منکر»، مجله شمیم یاس، ش ۵۸، ۱۳۶۸.
۶. القوی المنذری، عبدالعظیم، الترغیب و التهیب، ج ۳، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر، ۱۴۲۴ق.
۷. امینی، ابراهیم، مهم ترین واجب فراموش شده: امر به معروف و نهی از منکر، باهمکاری پژوهشکده امر به معروف و نهی از منکر، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۴.
۸. بخشی، محمد، «احیای امر به معروف و نهی از منکر با روی کرد قرآنی و روایی»، مجله فروغ وحدت، ش ۱۶، ۱۳۸۸.
۹. تمیمی آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، قم: دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، مبادی اخلاق در قرآن، قم: اسراء، چ ۷، ۱۳۸۸.
۱۱. جوان آراسته، حسین، «بازخوانی امر به معروف و نهی از منکر به مثابه قدرت نرم در فرهنگ اسلامی»، مجله مطالعات قدرت نرم، ش ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۹۴.
۱۲. حر عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعة الى التحصیل الشریعة، ج ۶، ۱۱، ۱۶ و ۱۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۱۳. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، زیر نظر محمد معین و جعفر شهیدی، مقدمه به قلم گروهی از دانشمندان، ج ۱۴، تهران: دانشگاه تهران: دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سازمان لغت نامه، ۱۳۷۷.
۱۴. دیلمی، حسن بن ابی الحسن، ارشاد القلوب الى الصواب، ج ۱، قم: نشر شریف رضی، ۱۴۱۲ق.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت - سوریه: دارالعلم والدار الشامیة، ۱۴۱۲ق.
۱۶. شیخ مفید، محمد بن نعمان، المقنعه، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۰ق.
۱۷. صافی گلپایگانی، لطف الله، راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، قم: دفتر آیه الله صافی گلپایگانی، ۱۳۹۰.

۱۸. طباطبایی، محمدحسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، ج ۱۲ و ۱۹، قم: جماعة المدرسين بقم المشرفة، مؤسسة النشر الاسلامی، بی‌تا.
۱۹. طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، **المعجم الكبير**، ج ۱۰، موصل: مكتبة الزهراء، ۱۴۰۲ق.
۲۰. طبرسی، احمد بن علی، **الاحتجاج**، ج ۲، قم: اسوه، ۱۴۲۴ق.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، ج ۱، ۲ و ۳، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چ ۳، ۱۳۷۲.
۲۲. طریحی، فخرالدین، **مجمع البحرين**، ج ۵، تهران: دفتر فرهنگ نشر اسلامی، چ ۲، ۱۳۶۷.
۲۳. قرائتی، محسن، **امر به معروف و نهی از منکر**، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۷۶.
۲۴. قمی، علی بن ابراهیم، **تفسیر قمی**، ج ۲، قم: دارالکتب، ۱۳۶۳.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب، **اصول کافی**، ج ۴ و ۵، نجف: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۸۸.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب، **فروع کافی**، ج ۵، قم: انتشارات قدس، ۱۳۶۵.
۲۷. کوئن، بروس، **مبانی جامعه‌شناسی**، ترجمه و اقتباس غلام‌عباس توسلی و رضا فاضل، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۵.
۲۸. متقی هندی، علی بن حسام الدین، **کنز العمال**، ج ۳، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۹ق.
۲۹. مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، ج ۱۰، ۴۲، ۷۹ و ۹۷، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۳۰. محسنی، منوچهر، **بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی در ایران**، تهران: دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی کشور، ۱۳۷۹.
۳۱. محقق حلی، جعفر بن حسن، **شرائع الاسلام فی مسائل الحرام و الحلال**، ج ۹، قم: اسماعیلیان، بی‌تا.
۳۲. محمدی ری‌شهری، محمد، **میزان الحکمة**، ج ۶، بیروت: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۶۷.
۳۳. مسعودی، محمداسحاق، **پژوهشی در امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه قرآن و روایات**، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر - شرکت چاپ و نشر بین‌الملل سازمان تبلیغات، ۱۳۷۸.
۳۴. مصباح‌یزدی، محمدتقی، **بزرگ‌ترین فریضه**، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۹.
۳۵. مصباح‌یزدی، محمدتقی، **فلسفه اخلاق**، تهران: انتشارات مؤسسه اطلاعات، چ ۶، ۱۳۷۶.
۳۶. مصطفوی، سیدحسن، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، ج ۸ و ۱۲، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.

۳۷. مطهری، مرتضی، آزادی معنوی، قم: انتشارات صدرا، چ ۳۵، ۱۳۶۸.
۳۸. مطهری، مرتضی، حق و باطل به ضمیمه احیای تفکر اسلامی، قم: انتشارات صدرا، چ ۳، ۱۳۶۲.
۳۹. ملکیان، روح‌الله، «مفهوم امر به معروف و نهی از منکر در قرآن»، مجله فقه اهل بیت، ش ۸۵ و ۸۶، بهار و تابستان ۱۳۹۵.
۴۰. نوری، میرزاحسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۲ و ۱۲، بیروت: نشر مؤسسه آل‌البیت : ، ۱۴۰۸ق.
۴۱. هاشمی دولابی، قدسیه، «امر به معروف و نهی از منکر در قرآن»، مجله فروغ وحدت، ش ۱۸، ۱۳۸۸.
۴۲. ورعی، سیدجواد، مبانی فقهی امر به معروف و نهی منکر، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۴.
۴۳. ولوی، پروانه و یزدانی، صدیقه، «مقاله بررسی درونی‌سازی ارزش‌های اساسی در تربیت اسلامی»، ارائه‌شده به اولین همایش اسلام و ارزش‌های متعالی با تأکید بر اخلاق، اسفند ۱۳۹۰.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی